

کارگران سخن میگویند!

هسته کارگری مبارز افغانستان

دلو ۱۳۹۴ (فبروری ۲۰۱۶)

شماره (۱۱)

دور دوم



www.kargaranafghanistan.blogfa.com

hastakargari@yahoo.com

آدرس وبلاگ ما:

ایمیل آدرس ما :

اوضاع کنونی و وظایف ما



اگر ما نتوانیم مسیر این حرکت را اصولی و سریع طی کنیم و عملاً در میدان مبارزه به مقاومت همه جانبه پا بگذاریم، یقیناً مسیر جنگ در کشور سمت دیگری به خود اختیار خواهد نمود و زحمتکشان جامعه ما را به چوب سوخت این جنگ بدل خواهد ساخت. در سطح داخلی شگاف ایجاد شده میان صفوف طالبان از یک طرف و در سطح بین المللی شگاف ایجاد شده میان القاعده و داعش از سوی دیگر و جنگ میان اشغالگران غربی و اشغالگران عرب در افغانستان بر سر اختیارات شان بخاطر تحکیم اشغال از سوی دیگر، وضعیت این کشور را هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی بیشتر از قبل تشدید میکند.

با آغاز مذاکرات صلح میان رژیم دست نشانده و طالبان، امکان تضعیف مقاومت ارتجاعی آن بخش از طالبان که به پروسه صلح پیوندند نیز قویاً وجود خواهد داشت و این امر باعث تقویت روز افزون رژیم دست نشانده و دوام حالت مستعمراتی افغانستان و تضعیف مقاومت ارتجاعی میگردد.

بناءً - چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است!

ما بدون در نظر داشتن وضعیت کنونی جامعه و وضعیت اسفناک کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش اجتماعی مان قادر نخواهیم بود از این وضعیت فلاکت بار اجتماعی رهائی یابیم.

به این خاطر از تمامی نیروها و شخصیت های ملی، دموکراتیک و میهن پرست افغانستان مصرانه می طلبیم که برای تدارک هرچه بیشتر براندازی این نظام دهشت و وحشت همگام و همصدا، متحد و یکپارچه حرکت نموده و مطمئن هستیم که درین راه کارگران و زحمتکشان تنها نخواهند ماند.

”هسته کارگری مبارز افغانستان“ در پیشگام این حرکت و مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده قرار دارد.

به ”هسته کارگری مبارز افغانستان“ به پیوندید و برای رهائی از این وضعیت و دیگرگون شدن اوضاع کنونی به وظایف مبارزاتی مان به شدت عمل کنیم!

زنده باد استقلال، زنده باد آزادی

مرگ بر اشغالگران خون آشام و رژیم دست نشانده شان

”هسته کارگری مبارز افغانستان“

۱۷ دلو ۱۳۹۴

در شرایط کنونی که کارگران و زحمتکشان جامعه در وضعیت بسیار اسفناک و بدی به سر میبرند، موج بیکاری دامن اکثریت مردم رنج دیده ما را گرفته است، آوارگی و مهاجرتهای دسته جمعی به سمت کشورهای اروپائی و کشورهای همسایه کماکان به قوت خود باقی است و درین میان، اعلام تمدید حضور نیروهای اشغالگر در صدر برنامه های اشغالگران و رژیم دست نشانده شان قرار گرفته و از طرف دیگر رژیم پویشالی با اعلام اینکه ”افغانستان با ائتلاف جهانی ضد گروه داعش“ یکجا گردیده است و اوضاع کشور نسبت به قبل از نابسامانی های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی برخوردار شده و وضعیت اسفناک و غم انگیز مردمان تحت ستم جامعه را بیشتر از قبل تشدید نموده است، کارگران، دهقانان و تمامی اقشار زحمتکش جامعه را در یک سردرگمی ناهنجار اجتماعی غوطه ور نموده است.

این وضعیت اسفناک اجتماعی، عمق فاجعه ای را نشان میدهد که اگر مردمان تحت ستم جامعه به اتحاد و وحدت همگانی برای براندازی شرایط کنونی و دست زدن به یک انقلاب عظیم اجتماعی که انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان به شمار میرود با برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران خون آشام و رژیم مزدورصفت شان به حرکت و سیلان در نیایند، چاره ای دیگری برای رهائی شان نخواهند داشت.

کارگران و زحمتکشان!

”هسته کارگری مبارز افغانستان“ در راستای تامین وحدت سرتاسری میان تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه مسئولیت اجرای پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را در صدر برنامه خود قرار داده و برای بسیج همگانی کارگران و زحمتکشان جامعه (اعم از زن و مرد) شب و روز تلاش مینماید.

از "ارباب" سوال کردن ممنوع است!

و

با سکوت باید دستورش را اجراء نمود!



می افتد که اشغالگران با قوه قهری بالفعل توده ها روبرو شوند. اشغالگران، مزدوران شان را تا زمانی دوست دارند و حمایت میکنند که برای شان مفیدیتی داشته باشد، در غیر آن ایشانرا مانند نعش متعفن دور میریزند. تاریخ افغانستان و جهان گواه بر این مدعاست.

ما به یقین کامل میدانیم که اشغالگران به زودی ازین کشور بیرون نمیشوند. منافع غارتگران شان ایجاب میکنند که سالیان متمادی درین کشور حضور بالفعل و بالقوه داشته باشند و بر سر توده های زحمتکش این سرزمین هر آنچه بخواهند کاشته و درو کنند، غارت نمایند و بی خانمان شان سازند.

کارگران و زحمتکشان جامعه باید بدانند که اگر ۵۰ سال دیگر هم اشغالگران در افغانستان بمانند حاصلی بهتر از این نخواهند داشت، برای رهائی از زیر بار اسارت و بردگی و برای ایجاد جامعه ای نوین، بخاطر رفاه همگانی و آرامش کلی برای تمامی مردم ستمدیده کشور مقابله با مصائب و مشکلات که در راس تمام برنامه ها، مبارزه علیه اشغال کشور و رژیم مزدورشان قرار دارد. ما به جز نیروی بالقوه قهری که بتواند بر برج و باروی اشغالگران حمله ور شود چیز دیگری در اختیار نداریم. قدرت ما در وحدت ماست.

برای بیرون کردن اشغالگران و سرنگون کردن این رژیم مزدور در این شرایط حساس تاریخی سرنوشت ساز همه ما بدون در نظر گرفتن ملیت، قومیت، نژاد، مذهب، برای رسیدن به آزادی برابری عدالت اجتماعی به مبارزه برخیزیم! نگذاریم اوضاع و احوال ما از این هم بدتر شود.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" در این راستا شبانه روزی تلاش میکند تا مردمان این سرزمین را برای بیرون کردن اشغالگران متحد سازد. به این "هسته مبارز کارگری" بپیوندید تا ازین طریق به خواسته های این ملت رسیدگی اصولی شود زیرا چاره دردمندان و ستمدیدگان وحدت و تشکیلات است و غیر ازین دیگر راهی وجود ندارد!

استاعلی کارگر

اشغالگران امپریالیست امریکائی در این اواخر سر و صدا راه انداختند که رژیم کنونی توان مبارزه علیه تروریزم را ندارد و اوضاع کنونی افغانستان بعد از بیرون شدن قوای امریکائی از لحاظ امنیتی بدتر شده است. رژیم پوشالی جرئت آنرا ندارد که از اربابش پرسان کند که در سال ۲۰۰۱ با وجودیکه تمام این سرزمین به شکل دیگری در اختیاران بود و امارت اسلامی طالبان حاکمیت داشت، توانستید در ظرف یک ماه توسط ما به صفت نیروی زمینی تان آنها را از قدرت به زیر کشید و قدرت سیاسی را به ما اهدا کنید. همین حالا هم تمام نیروهای ائتلاف بین المللی همراه با بیش از ۱۵۰ هزار قوای داخلی تحت رهبری و در اختیاران قرار دارد، باز هم ما را متهم به ناتوانی در ایجاد امنیت می نمایید و رسانه ها هم این را تبلیغ میکنند که دولت "وحدت ملی" باعث اوضاع بد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گردیده و روز به روز وضع امنیتی در افغانستان بدتر میگردد.

به هر صورت اگر میخواهید نیروی تازه نفس به افغانستان بیاورید کدام ممانعتی وجود ندارد، ما هم خوشحال هستیم، این هم به نفع ماست و هم شما، توافقنامه امنیتی دست شما را باز گذاشته است، بهانه ضرورت نیست. اما نگویید که هرگاه جامعه جهانی برای دولت افغانستان کمک نکند رژیم سقوط میکند. ما هم این را درک میکنیم که بدون حضور شما یک روز نمیتوانیم در قدرت باقی بمانیم. به همین علت بود که توافقنامه امنیتی را امضاء نمودیم. این سر و صدا هم وضعیت رژیم و هم وضعیت شما را بدتر میکند. مردم درک نموده اند از روزیکه شما در اینجا گام گذاشته اید جز سیه روزی، آوارگی، بدبختی، فقر، ناامنی و فساد چیز دیگری به ارمغان نیاورده اید. حال بهانه ها را کنار بگذارید و برای حفظ و تحکیم رژیم کوشا باشید، در غیر اینصورت به سرنوشت روسها و رژیمش گرفتار میشویم.

مزدوران حتی جرئت همین بحث را با ارباب ندارند. ارباب هرچه میگوید آنها با سکوت مجبور به اجرای آن میباشند. چنانچه جان کری اعلان نمود که دولت افغانستان به ائتلاف کشورهای ضد داعش پیوسته است، رژیم پوشالی با سکوت آنرا پذیرفت. توده ها بخوبی درک نموده اند که بازی مزدوران دست نشانده جان کری (ع و غ) از بازی ارباب شان مسخره تر است.

ملت افغانستان و ستمدیدگان این کشور:

بدانید تا جائیکه مفاد و منافع غارتگران اشغالگر تقاضا نماید، به این خیمه شب بازی شان ادامه میدهند تا منافع شان را برآورده سازند. اشغالگران هرگاه احساس کنند که دیگر حفظ رژیم و ماندن شان در افغانستان امکان ندارد، گلیم شانرا جمع نموده و میروند. آنها هرگز به این فکر نیستند که در افغانستان چه میشود و بر سر مزدوران شان چه می آید. این قضیه زمانی اتفاق

استثمار شدید کارگران

در فابریکه صنعتی کیک و کلچه پزی سوپر تغذیه "شهد کام" کابل



من "یک تن از کارگران" شرکت شهدکام کابل هستیم، میخواهیم در متن این نوشته به وضعیت کاری خود و کارگران این شرکت پیردازم و سپس به جوانب مجبوریات های کارگران بخاطر تن دادن به اینگونه بهره کشی ها و بهره دهی ها روشنی اندازم.

شرکت شهدکام از جمله شرکتهای کلچه پزی در کابل است که مسئولین آن از ولایت هرات میباشند. کل کارمندان آن ۲۴ نفر میشود که دو نفر از آنها در ریور هستند. لایحه وظایف هر یک از کارمندان این شرکت مشخص است و سطح معاشات شان

بارگیری کنند در آنصورت ۵ صبح باید کل آنها بیدار شوند و برای برش کیک و به پلاستیک کردن کیک ها فرصت کافی داشته باشند، بناء میتوان گفت تایم کاری از ۵ یا ۶ صبح شروع میگردد و تا ۶ شام همه روزه باید کار نمایند و اکثریت اوقات اتفاق می افتد که تا ۱۰ شب هم کارگران درین شرکت مصروف برش کیک هستند و به کارتن ها جابجا میکنند تا برای بارگیری آماده شود.

روزانه ۳۵ بوجی آرد ۵۰ کیلوئی درین شرکت باید خمیر شود که مجموعا ۳۰۰ دانه کیک ۶ کیلوئی از آن آماده میشود.

کارگران این شرکت از کارطاعت فرسا، عدم تنظیم ساعات کار، پایین بودن مزد کار، فقر و عدم تضمین اشتغال رنج میبرند. مسئله استخدام درین شرکت هیچ نظمی ندارد و استخدام همانند سیستم کارگری است، هیچ اصول و قاعده ای ندارد و کارگرانی که از هرات آمده اند همیشه ترس از دست دادن همین لقمه بخور نمیرشان هستند به این خاطر اکثریت اوقات تن به استثمار مضاعف میدهند و ترس از بیکاری شان دارند، زیرا سطح بیکاری در جامعه فوران کرده و بیشتر نیروی کار افغانستان بیکار و بی اشتغال هستند.

بیاپید یک محاسبه تقریبی در مورد همین محدوده کیک پزی داشته باشیم و پخت و پز کیک را با فروش آن مقایسه نماییم:

هر کیلو کیک به قیمت ۴۵ افغانی بالای خود شرکت تمام میشود و سپس آنرا به کیلوئی ۶۵ افغانی به بازار کابل عرضه میکنند. روزانه ۳۰۰ دانه کیک ۶ کیلوئی باید توسط دو موتر

نیز فرق میکند، بطور نمونه: مستری شرکت که موظف به حفظ و مراقبت و ترمیم ماشین کارخانه است ماهوار ۱۵۰۰۰ افغانی معاش دارد. یک نفر هم قناد است که موظف به پخت و پز کلچه و کیک میباشد که ماهوار ۱۲۰۰۰ افغانی معاش دارد. هر یک از در ریوران شرکت ماهوار ۸۰۰۰ افغانی معاش دارند و سه نفر هم میرزا به شرکت است که مسئول محاسبات و جمع بندی اسناد هستند که ماهوار ۶۰۰۰ افغانی معاش میگیرند. سپس میتوان از ۱۷ نفر از کارگران کیک و کلچه پزی یاد کرد که آنها نیز ماهوار ۶۰۰۰ افغانی معاش دارند. این سطح لایحه معاشات همین ۲۴ تن است که از هرات برای کار کلچه پزی استخدام شده اند. در کنار این ۲۴ تن، شرکت به استخدام کارگران روزمزد نیز مبادرت میورزد که تعدادشان روزانه به ۱۰ نفر میرسد و هر کدام آنها روزانه ۱۰۰ افغانی معاش دارند.

این شرکت روزهای جمعه کار نمیکند اما جمعه در میان، یک در ریور و یک نفر میرزا مکلف هستند نوکریوالی بدهند و این نوکریوالی شان بدون معاش بوده و رایگان به خدمت شرکت قرار دارند.

تایم کاری درین شرکت هیچ نظمی ندارد و تمام تیم کاری بخاطر کار طاعت فرسا بسیار خسته میشوند، طوریکه اگر تیم کاری موفق شود موترهای شرکت را شب هنگام بارگیری نماید در آنصورت ۶ صبح توزیع کیک و کلچه به سطح شهر کابل توسط همین دو موتر شرکت شروع میشود، یعنی تایم کاری از ۶ صبح آغاز میگردد در غیر آن اگر تیم کاری برحسب مصروفیت هایشان نتوانند شب موترها را

معاشات مجموع کل این کارگران در ماه
میشود: ۱۸۹۰۰۰ افغانی در ماه

اینجا به خوبی معلوم میشود که عایدات شرکت از بابت
فروش ۳۰۰ عدد کیک ماهوار (۱۱۶۱۰۰۰ افغانی) است در
حالیکه ازین مبلغ صرفاً (۱۸۹۰۰۰ افغانی) به کارگران خود
میدهد. بناء عایدات خالص بعد از مزد کارگران شرکت
مساوی است به :

۱۱۶۱۰۰۰ افغانی عایدات شرکت منفی ۱۸۹۰۰۰ مزد ماهوار
کارمندان شرکت مساوی است به ۹۷۲۰۰۰ افغانی در ماه!

بناء به خوبی دیده میشود که با استثمار شدید کارگران
ماهوار این شرکت صرفاً از درک همین پخت و توزیع ۳۰۰
عدد کیک ۶ کیلوئی فقط نه لک و هفتاد و دو هزار افغانی
عایدات دارد.

اینکه درین شرکت انواع کلچه و کیک های پاکتی نیز پخت
و پز شده و به بازار عرضه میشود، جای خود، که در آمد آن
از محاسبه من خارج است، چون من در حد همین محدوده
معلومات داشتم که خواستم کارگران را از این وضعیت آگاه
سازم.

من یکی از کارگران فابریکه صنعتی کیک و کلچه پزی سوپر
ذائقه "شهدکام" کابل از "هسته کارگری مبارز افغانستان"
میخواهم که این گزارش مرا در سطح نشریه خویش به
چاپ رسانند تا توانسته باشم حداقل انعکاس صدای برحق
کارگرانی باشم که ازین شیوه تولید و استثمار مضاعف رنج
میبینند.

به امید اتحاد و یکپارچه گی تمام کارگران و
ستم دیده گان جامعه مان

به امید برپائی مقاومت همه جانبه ملی مردمی
و انقلابی علیه اشغالگران و نظام مستبد کنونی

زنده باد مبارزه ، زنده باد آزادی

ف.ا - یک تن از کارگران

" فابریکه صنعتی کیک و کلچه سازی سوپرذائقه

"شهدکام" کابل

۱ دلو ۱۳۹۴

به بازار عرضه شود. یعنی :

۳۰۰ دانه کیک ۶ کیلوئی = ۱۸۰۰ کیلو کیک

۱۸۰۰ کیلو کیک از قرار ۴۵ افغانی = ۸۱۰۰۰ افغانی، این
قیمتی است که بالای خود شرکت تمام میشود.

فروشات:

۱۵۰ دانه کیک ۶ کیلوئی به بازار کابل از قرار ۶۸ افغانی به
فروش میرود و ۱۵۰ دانه کیک دیگر از قرار ۶۵ افغانی به
فروش میرسد. بناء میتوان چنین محاسبه کرد که:

۱۵۰ دانه کیک ۶ کیلو = ۹۰۰ کیلو ضرب ۶۵ افغانی = ۵۸۵۰۰ افغانی

۱۵۰ دانه کیک ۶ کیلو = ۹۰۰ کیلو ضرب ۶۸ افغانی = ۶۱۲۰۰ افغانی

مجموع هر دو موتر انتقالات کیک روزانه عبارت از = ۱۱۹۷۰۰ افغانی

حالا از قیمت فروش قیمت تمام شد شرکت را کم کنیم دیده
میشود که :

۱۱۹۷۰۰ (نرخ فروش) منفی ۸۱۰۰۰ (تمام شد شرکت)
مساوی است به ۳۸۷۰۰ افغانی در روز عایدات فروش ۳۰۰
عدد کیک ۶ کیلوئی است.

این شرکت ۳۰ روز مکمل (ماه) توزیع دارد، این مقدار به
طور ثابت توزیع روزانه میشود. بناء همین مبلغ عایدات
روزانه این شرکت را ضرب ۳۰ روز کاری کنیم دیده میشود
که :

۳۰ روز کاری ضرب ۳۸۷۰۰ (عایدات شرکت) مساوی میشود
به ۱۱۶۱۰۰۰ افغانی (یک میلیون و یکصد و شصت و یک هزار
افغانی) عایدات ماهوار شرکت.

بیاید معاش کارمندان را جمع زنیم:

مستری شرکت ۱۵۰۰۰ افغانی در ماه

قناد شرکت ۱۲۰۰۰ افغانی در ماه

دو دریور شرکت هریک ۸۰۰۰ مجموع دو نفر ۱۶۰۰۰ افغانی در ماه

سه میرزای شرکت هر یک ۶۰۰۰ افغانی که مجموع میشود
۱۸۰۰۰ افغانی در ماه

۱۷ تن کارگران ۶۰۰۰ افغانی در ماه مجموع میشود ۱۰۲۰۰۰ افغانی
در ماه

۱۰ تن کارگران روزمزد ۱۰۰ افغانی که مجموع ۲۶ روز
کارکردشان میشود ۲۶۰۰۰ افغانی در ماه (چون ۴ روز جمعه
تعطیل اند.)

در بدر بدنبال پاسپورت

سلیم

مضاعف کارگران افغانستان می پردازد و از سوی دیگر با بر خورد وحشیانه در مرزهایش با کارگرانی که می خواهند بطور قاچاق وارد ایران شوند، آنها را مجبور ساخته تا برای شان پاسپورت بگیرند، و از قونسلگری ایران ویزا اخذ نمایند. اخذ ویزا نیز شکل غارت را بخود اختیار نموده است. اینک می پردازم به طی مراحل اخذ پاسپورت و سپس ویزای قونسلگری ایران.

مراحل اخذ پاسپورت از قوماندانی امنیه هرات:

زمانیکه شخصی می خواهد پاسپورت اخذ نماید در قدم اول باید عریضه ای بنویسد و امضای قوماندان امنیه را بگیرد. گذشتن از هفت خوان رستم آسانتر از رسیدن به قوماندان



کشور ما افغانستان توسط امپریالیست های غارتگر به سرکردگی امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و مزدوران خود را یکی پس از دیگری به حیث به اصطلاح رئیس جمهور انتصاب و به چوکی دست نشانده گی نشانده اند.

اشغالگران و مزدوران دست نشانده شان از همان ابتدای اشغال کشور سر و صدا راه اندختند که از این به بعد وضعیت زندگی مردم تغییر خواهد نمود و برای شان کار و شغل ایجاد خواهد گردید، بلی همانطور هم شد وضعیت زندگی توده های زحمتکش تغییر نمود، اما این تغییر بدبختی و فقر روز افزون و آوارگی را در بر داشت نه چیز دیگر. اشغالگران و رژیم های دست نشانده شان جز فقر و بدبختی، بیکاری، اعتیاد، فحشا، دزدی، اختطاف، تجاوزات جنسی و نا امنی چیزی دیگری برای توده های زحمتکش به ارمغان نیاورده اند.

بسیاری از کارگران و دهقانان نظر به وضعیت بد اقتصادی اجبارا کشور خود را ترک می نمایند و برای پیدا کردن کار و مخارج زندگی عازم کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی می شوند آنهم بطور قاچاقی.

بسیاری از این کارگران حین ورود به مرز ایران، در نوار مرز، از طرف سپاه پاسداران جنایتکار تیر باران میگردند و بسیار کسانی که عازم کشورهای اروپایی شدند به مقصد نرسیده در بحرهای خوراک کوسه ماهی ها شدند. وضعیت زندگی بر آنها آنقدر فشار وارد نموده که مرگ را بر این زندگی فلاکت بار ترجیح می دهند.

اشغالگران و رژیم دست نشانده حامی بازار آزاد اند. زیرا بازار آزاد تامین کننده منافع فیودالان و بورژوازی بیروکرات در افغانستان می باشد. بازار آزاد در این کشورها زمینه غارت و چپاول را آماده می سازد، به همین مناسبت است که زندگی توده های ستمدیده به سرعت به وخامت گرائید. این حرکت وعملکرد اشغالگران و رژیم دست نشانده آگاهانه صورت میگیرد، از یک سو می خواهند که نسل جوان و زحمتکشی که بهترین متحد طبقه کارگر می باشد از کشور بیرون نمایند و از سوی دیگر این نیرو بهترین نیروی آماده استثمار مضاعف برای سرمایه داران کشورهای خارجی است. در هر دو صورت اشغالگران از آن نفع می برند.

رژیم فاسد جمهوری اسلامی ایران هم فرصت را غنیمت شمرده و به شکل وحشیانه به غارت کارگران افغانستان پرداخته است. از یکطرف در داخل کشورش به استثمار

امنیه می باشد. برای گرفتن امضای قوماندان امنیه یا باید وسیله ای داشته باشید و یا اینکه برای کمیشن کاران پولی تادیه نمایید تا امضاء اخذ گردد. در غیر آن ماه ها طول می کشد تا به قوماندان امنیه برسید و امضایش را بگیرید.

اکثریت کمیشن کاران سربازان درگاه قوماندانی امنیه می باشند، آنها در بدل هر امضاء مبلغ سه هزار افغانی از متقاضیان پاسپورت اخذ می نمایند. چنانچه این موضوع از طریق تلویزیون ها رسانه ای شد و سخنگوی قوماندانی امنیه موجودیت کمیشن کاران را پذیرفت. پذیرفتن کمیشن کاری در حقیقت امر تأیید بر امر فوق الذکر می باشد.

ای کاش کار به همین جا خاتمه می یافت و می شد که دیگر کارها را به آسانی پیش برد. بعد از گرفتن امضای قوماندان نوبت به گرفتن تعرفه بانک می رسد. اگر خواسته باشید تعرفه را خودت بگیری باید یک الی دو ماه انتظار تعرفه را بکشید، و اگر خواسته باشید که زود تعرفه را بدست آورید باید به کمیشن کار مراجعه نمایید، و مبلغ یکهزار و پنصد افغانی بابت تعرفه بانگ بپردازید در غیر آن مدت یک الی دو ماه انتظار باید کشید.

و حد اقل تا زمانیکه بیرون از مرزها کشور کاری برای شان دست و پا می کنند مصارف فامیل را داشته باشند، اما رژیم پوشالی همراه جنایتکاران قونسلگری ایران تمام دار و ندار شان را از ایشان می گیرند.

مراحل اخذ ویزا از قنصلگری ایران در هرات:

کسانیکه موفق به گرفتن پاسپورت می شوند باید در صف ویزا بروند. صف ویزا کمتر از صف پاسپورت نیست. کارمندان قونسلگری زمانیکه پاسپورت را اخذ می نمایند،



کار به این جا هم خاتمه نمی یابد، بعد از گرفتن تعرفه بانک نوبت "بایومتریک" می رسد. برای گرفتن بایومتریک باید ساعت ۴ صبح در داخل مسجد جامع بزرگ شهر هرات به صف حاضر شوید و از جای خود نباید تکان خورد. این صف آنقدر طولانی است که امیدی برای گرفتن بایومتریک در ظرف دو ماه هم نیست، زیرا کارمندان قوماندانی ساعت ۹ صبح بکار شروع می کنند و به ساعت دو و نیم ختم کارشان اعلان می شود. در این مدت احتمالا که ۲۰ نفر بایومتریک شوند. این وضعیت خیلی اسفناک و آزار دهنده می باشد. در این میان باز سر و کله کمیشن کاران هویدا می شود و علنا به متقاضیان پاسپورت می گویند که اگر مبلغ یکپهزار و پنصد افغانی بدهید ترا در صف طوری جابجا می نمایم که امروز نوبت تو برسد. بسیاری از مردم که از صف طولانی که چندین روز پی در پی ساعت ۴ صبح آمدند و ساعت ۳ بعد از ظهر با شکم گرسنه خانه رفتند به ستوه آمده حاضرند که پول متذکره را بپر دازند و خود را از صف طولانی نجات دهند. بعد از اینکه بایومتریک تمام شد برای متقاضی می گویند آمدن پاسپورت از کابل مدت بیست الی سی روز را در بر می گیرد شما در بین این روزها خبر گیر باشید.

بعد از بیست روز صف کسانیکه می خواهند پاسپورت خود را بگیرند از صف بایومتریک طولانی تر به نظر می رسد. در صف اخذ پاسپورت هم باید ساعت ۵ صبح حاضر باشید تا ساعت ۳ بعد از ظهر و انتظار بنشینید که ممکن هر آن و لحظه نامت را بخواند، اما هر چه که می گذرد نامی خوانده نمی شود. بسیار افرادی در صف دیده می شوند که می گویند مدت دو ماه است صبح وقت می آییم و ساعت ۳ بعد از ظهر با شکم گرسنه بر می گردیم و نام مان خوانده نشده اما هستند کسانی که پنج روز هم در صف نبودند و پاسپورت خود را اخذ نموده اند.

در حقیقت بسیار کسانی که از صف خسته اند اجبارا به کمیشن کار مراجعه می کنند. همین که کمیشن کار مبلغ دو هزار افغانی از وی اخذ نمود پاسپورتش به وی تسلیم می گردد. پاسپورت ها که از مرکز می آید در شعبات قوماندانی امنیه مدت ها قید میگردد و برای صاحبانش داده نمی شود. کسانیکه پولی ندارند که برای کمیشن کار بدهند باید حداقل دو ماه بعد از آمدن پاسپورت انتظار بکشند تا برای شان تسلیم داده شود.

خلاصه کسانیکه تصمیم به گرفتن پاسپورت می کنند و پولی برای کمیشن کار نمی دهند باید حداقل مدت شش ماه منتظر بمانند تا پاسپورت بدست شان برسد.

گرفتن پاسپورت برای فامیل های ۶ الی ۷ نفره چه مصارف گزافی را در بر می گیرد. بسیاری کسانی دار و ندار خود را می فروشند تا مخارج پاسپورت و ویزای خود را تهیه نموده،

برای متقاضیان ویزا ۶۰ الی ۸۰ روز بعد نوبت مصاحبه را می دهند. واگر خانواده چند نفره باشد برای یکی از پسران اش ویزا صادر نمی کند. این کارکرد کارمندان قونسلگری ایران بخاطر اخاذی افغانستانی ها است. همانطوریکه قوماندانی امنیه کمیشن کاری را در اختیار دارد قونسلگری ایران نیز کمیشن کارانی را برای اخاذی در اختیار دارند.

ویزای فوری در بدل مبلغ سه میلیون تومان معادل ۵۵۰۰۰ افغانی برای هر نفر صادر می گردد. هر گاه یک خانواده ۷ نفره باشد مبلغ بیست و یک میلیون تومان بابت ویزای شان و مبلغ دو میلیون از بابت پسر که امر ویزا برایش صادر نشده گرفته می شود که مجموعا مبلغ بیست و سه میلیون تومان معادل ۴۱۴۰۰ افغانی میشود. البته این پैसे از طرف کسانی پرداخت می شود که قصد کشورهای اروپایی را دارند و تمام هست و بود خود را فروخته اند. تعدادی از این افراد نتوانسته اند که به مقصد برسند و به افغانستان برگشت خورده اند وضعیت شان بدتر از یک کارگر سر گذر گردیده است.

کسانیکه می خواهند جهت کار به ایران بروند مجبوراند که همان ۶۰ الی ۸۰ روز را انتظاری بکشند تا نوبت شان برسد. زمانیکه نوبت شان رسید، کارمندان قونسلگری مبلغ ۸۰ یورو جهت اخذ ویزا از آنها اخذ می نمایند و مبلغ ۳۰۰ یورو به بهانه ضمانت از ایشان اخاذی می کند. اگر در ظرف مهلتی که برایش داده شده (یک ماه) برگشت، ۳۰۰ یورو برایش

خصلت ذاتی سرمایه داری است که جز منافع شخصی هیچ چیز دیگر برایش ارزشی ندارد. در برابر منافع خود از همه چیز می گذرد.

نسل جوان کشور باید بدانند که راه بیرون رفت از این معضل، فرار، حتی فرار اجباری از کشور نیست، بلکه اتحاد یکپارچه تمام اقشار زحمتکش علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم مزدور و اشغالگران داعشی می باشد. بناء تا زمانیکه اشغالگران را از سرزمین خود بیرون نرانیم و رژیم پوشالی را از مسند قدرت به زیر نکشیم از این مصیبت نمی توان نجات یافت. امروز جامعه ما نیاز به یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی جهت بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده شان دارد.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

زنده باد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

داده می شود، در غیر این صورت پैसे اش سوخته و به حساب قونسلگری ایران واریز می شود.

قونسلگری جمهوری اسلامی ایران به خوبی می داند اکثریت کسانی که ویزا اخذ می دارند نمی توانند در ظرف یک و یا دو ماه به کشورشان برگردند، زیرا ممکن در ظرف یک و یا دو ماه نتوانند کاری پیدا کنند، و اگر خوش چانس باشند و کاری هم پیدا نمایند در این مدت نتوانسته حتی پول قونسلگری را بدست آورند. از این ها گذشته اگر بیایند باید برای برگشت دوباره به ایران حد اقل سه الی چهار ماه دیگر انتظاری ویزا را بکشند بناء تر جیح می دهند که حد اقل یک سال و یا اضافه از آن در ایران بمانند که حداقل معیشت زندگی را تامین نمایند. لذا از خیر ۳۰۰ یورو می گذرند و آن پول به جیب کارمندان قونسلگری ایران و یا به جیب دولت ایران واریز می گردد. این است کمک " برادرانه " جمهوری اسلامی ایران به مردم هم دین افغانستانی شان!!

رژیم جنایت کار آخوندی در ایران در استثمار خلق افغانستان کمتر از رژیم پوشالی افغانستان نیست، افغانستانی های مقیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تحقیر و توهین به شکل وحشیانه و مضاعف مورد استثمار قرار می گیرند. این

تظاهرات در یوران سه چرخه ها مقامات دولتی هرات را به وحشت انداخت

سیروس

اول دلو ۱۳۹۴ خورشیدی



اگر خواسته باشیم افغانستان را از تاریخ اشغال (۱۷ اکتبر ۲۰۰۱) تا وضعیت کنونی که قرار دارد مورد غور و بررسی قرار دهیم با یک درک همه جانبه و کلی میتوان گفت که بحران ها و دگرگونی های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی دامنگیر تمام مردم شده است. از زمانیکه اشغالگران لجام گسیخته امپریالیست امریکا با متحدینش برین کشور هجوم آوردند و با هر مرحله که گذشت یکی را بر طبق میل خود بر مسند قدرت رساندند و رژیم دست نشانده را شکلدهی نمودند، وضعیت کشور را روز بروز بد و بدتر نموده و باعث دربدری، بی خانمانی، وضعیت بد اقتصادی و آوارگی توده های زحمتکش گردیده اند.

دولت فعلی (ع و غ) که حسب میل امریکا و پا در میانی جان کری به چوکی دست نشاندهی نصب گردیدند، بخاطر تامین منافع اشغالگران و رژیم پوشالی توده های زحمتکش را در جهنمی از درد، فقر و بی خانمانی قرار داده است.

با روی کار آمدن دولت «وحدت ملی» طوریکه گفته آمد نه تنها وضعیت مردم بهتر نشد بلکه روز بروز بدتر گردید است. نه تنها اکثریت مطلق مردم با فقر، دست و پنجه نرم می کنند، بلکه شدیداً از لحاظ امنیتی نگران اند. اختطاف و تجاوزات جنسی از طرف زورگویان مسلحی که رژیم پوشالی پشتیبان قوی شان است روز به روز قوس صعودی خود را می پیماید و زندگی را برای مردم به جهنمی عریان تبدیل نموده است.

هرات انداخت. فوراً سر و کله قوماندان امنیه در میان تظاهر کنندگان پیدا گردید. بعد از دلجویی در یوران سه چرخه ها برای شان گفت که: "برای ترافیک سوء تفاهم شده است، من برای شان گفته بودم که از عبور سه چرخه ها از بعضی چهار راهی های که زیاد مزدهم است، موقتاً جلوگیری نمایند، آنها اشتباها همه چهار راهی ها را مسدود نموده اند. شما از همین اکنون در همه مسیر ها می توانید رفت و آمد نمایید". صحبت های قوماندان امنیه توانست که به تجمع اعتراضی در یوران سه چرخه ها پایان دهد و مسیر جاده های اصلی بروی سه چرخه ها باز شود.

در یوران سه چرخه ها بخوبی درک نموده بودند که حق خویش را نمی توانند بطریق گدایی از دولت دست نشانده بدست آورند، لذا بزور متوسل شدند. اهدافی که در چند روز بدست آورده نتوانستند در ظرف چند دقیقه بدست آورند.

یگانه راه بیرون رفت از وضعیت المناک فعلی اتحاد همه جانبه توده های زحمتکش به رهبری پرولتاریا همگام با نیروی های انقلابیست که علیه امپریالیست های اشغالگر امریکایی و متحدینش و خائنین ملی دست نشانده شان به مبارزه برخیزند و تا بیرون راندن کامل شان به پیش روند.

نابود باد اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان.

زنده باد کارگران و توده های زحمتکش

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع «داعشی»

دولت دست نشانده بار سنگینی از مشکلات را برای طبقه کارگر ایجاد کرده است و روز بروز مشکلات شان قوس صعودی را می پیماید و لقمه بخور و نمیری هم گیرشان نمی آید، به این سبب است که روز بروز صف گدایان طویل تر می شود. تعداد عظیمی از کارگران بیکار اند و به هزار سختی لقمه نان بخور و نمیرشانرا مهیا میکنند و بسیاری از آنها ترجیح می دهند تا خانه و کاشانه خود را ترک نموده و به خطر انداختن جان شان از طریق قاچاق عازم کشورهای همسایه برای پیدا کردن خرچ فامیل و زندگی روزمره شان گردند.

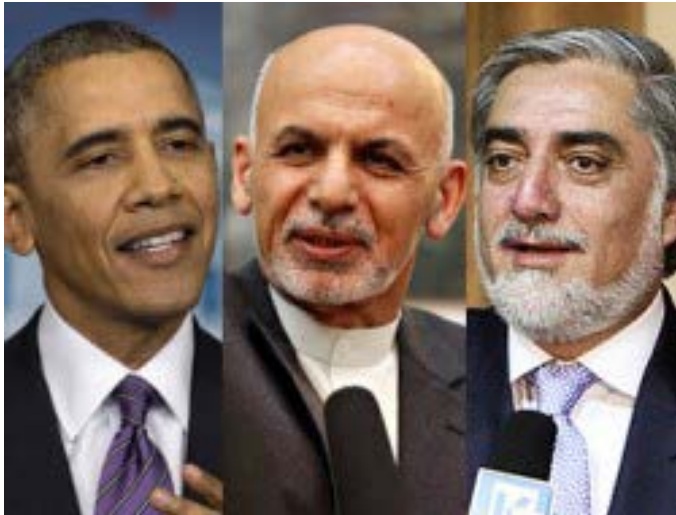
تعدادی از کارگرانی که نتوانسته اند برای بدست آوردن لقمه نانی به کشورهای همسایه بروند، هست و بود خود را فروخته و سه چرخه برای شان خریدند تا لقمه نان بخور و نمیر فامیل را تهیه نمایند، و همه روزه با هزار تحقیر و توهین از طرف ترافیک مواجه اند حتی بسیاری از طرف ترافیک مورد لت و کوب قرار گرفته اند. با آنهم روز شنبه و یکشنبه مطابق با ۲۶ و ۲۷ جدی ۱۳۹۴ رفت و آمد تمام سه چرخه های باربری و مسافربری از جاده های اصلی ممنوع و فقط برایشان اجازه داده شد که از جاده های فرعی و کوچه و پس کوچه ها عبور نمایند.

در ظرف این دو روز هر چه در یوران سه چرخه ها داد و بیداد نمودند که دولت نمی تواند برای ما کاری پیدا کند و ما برای پیدا کردن کار طلا و زیوراتی که در خانه داشتیم فروختیم و سه چرخه ای خریدیم تا لقمه نانی برای فامیل پیدا کنیم و استدلال نمودند که اولاً دولت از ورود سه چرخه ها مالیات گمرکی می گیرد و ثانیاً ترافیک سه چرخه ها را جواز سیر نموده است، باید به ما اجازه داده شود تا آزادانه در بین شهر گشت و گزار نماییم حرف های شان جایی را نگرفت و کسی حاضر به شنیدن حرف شان نگردید.

در یوران سه چرخه ها برای بیرون رفت از این معضل روز دوشنبه مصادف با ۲۸ جدی ۱۳۹۴ خورشیدی با مسدود کردن راه ها و جاده ها ولایت دست به تظاهرات عمومی زدند. تمامی سه چرخه ها مجهز با بوشکه های تیل و پترول و بعضی از آنها هم با مواد انفجاری درین گردهمایی شرکت کرده بودند. شعار می دادند که یا راه بروی ما باز شود و یا اینکه همه چیز را با آتش می کشیم. این تظاهرات لرزه به اندام مقامات بلند پایه دولتی ولایت

نقش رژیم فعلی در فقر و خانه خرابی توده ها

سیروس ۱۲ دلو ۱۳۹۴ خورشیدی



زندگی توده ها روز به روز بدتر گردیده، فقر و بیچارگی سراسر کشور را فرا گرفته است. توده ها بخوبی درک نموده اند که وعده های انتخاباتی یک عوام فریبی بیش نبوده است.

دولتی که امروز بنام "وحدت ملی" مسما گردیده است، دولتی است دست نشانده که دو خاین و میهن فروش توسط جان کری وزیر خارجه امریکا بر چوکی قدرت تکیه زده اند و با دار و دسته شان بر سرنوشت این مردمان در بند کشیده حکم می رانند.

رژیم دست نشانده در اولین روزهای تکیه زدن بر چوکی دست نشانده، افغانستان را برای مدت طولانی به بادارشان (امپریالیزم اشغالگر امریکا) فروخت. چرا رژیم پوشالی چنین پاداشی برای اشغالگران امریکایی اهدا نمود؟ بر همه کس واضح و آشکار است که اگر اشغالگران امریکایی پا به میدان نمی گذاشتند این رژیم موجودیت پیدا نمیکرد. بدون تعهد این پاداش برای امپریالیزم امریکا امکان به قدرت رسیدن شان نبود. همین که بقدرت رسیدن اولین اقدام شان این بود که به ارباب شان "صداقت" خود را نشان دهند و کشور را برای مدت طولانی بدون کدام امتیاز بفروشند.

از همان ابتدای بقدرت رسیدن این دو خاین مشخص بود که ایشان نه می توانند و نه می خواهند برای توده ها کاری انجام دهند. توده ها در زیر لوای چنین رژیمی باید زندگی پر از درد و رنج را تجربه کنند. دولتی که توسط امپریالیزم امریکا و متحدانشان ساخته شود با سازشان میرقصد، به درد توده ها نمی خورد.

سرزمینی که امروز بنام افغانستان مسمی است، زادگاه ما می باشد، متأسفانه که از هفت اکتبر ۲۰۰۱ به این سو توسط اشغالگران امپریالیست به سردمداری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و رژیم های دست نشانده یکی پی دیگری به کرسی دست نشانده تکیه زده اند. اشغالگران با شعار های کذایی "مبارزه علیه تروریسم"، "آزادی زنان از قید اسارت طالبان" و "دموکراسی" ارتش های تجاوزگر خود را به این سرزمین پیاده نمودند. اما این شعار های کذایی دمار از روزگار توده های زحمتکش و بخصوص زنان بر آورد.

گرچه مکاتب به روی زنان باز شد و زنان توانستند که از خانه های شان بیرون آیند، اما زنان مورد معامله گری نیروهای خائن و میهن فروش قرار گرفتند. تجاوزات جنسی، اختطاف گسترده زنان، بریدن گوش و بینی، قطع انگشتان دست و پای شان و بقتل رساندن زنان قوس صعودی خود را می پیماید. نه تنها که وضعیت زنان بهبود نیافت بلکه از قبل هم بدتر گردید.

وضعیت توده های زحمتکش به آن حدی رسیده که دیگر لقمه بخور و نمیری هم گیرشان نمی آید. روز به روز صف گدایان طولیتر شده می رود. امروز توده های زحمتکش افغانستان در رنج و فقر زندگی فلاکت باری را می گذرانند. گرسنگی، مرگ و میر و بیکاری روز به روز بیشتر و انزجار توده های زحمتکش از رژیم دست نشانده افزون تر گردیده و می گردد. در کشور اشغال شده افغانستان قتل، خون و جنایت دال بر بزرگی است و دست پروردگان اشغالگران با حمایت باداران خود همه روزه مرتکب جنایت می شوند. اینجاست، سرزمین هجاهای رنگارنگ و افراد متنوع و دور و ده رنگ که با ساز اشغالگران می رقصند و هر یکی از جناحان شان را با نحوی در این رقص گرفتار کرده اند.

میهن فروشان، افغانستان را در چنگال خونین شان محکم گرفته اند، و مردم زحمتکش و بخصوص جوانان را به عنوان مواد سوخت تحت نام پولیس و اردوی پوشالی دسته دسته برای سرکوب توده ها بسیج نموده است. بانگ صدای رژیم پوشالی با ساز دروغین که کشورهای اشغالگر به صدا در آورده اند بلند می شود، توده ها را فریب می دهند و اغوا می کنند تا عمر خود را درازتر نموده و به اشغالگران خدمت نمایند. در طول یک و نیم دهه ای که از عمر رژیم دست نشانده گذشته است

خارجی می روند علاوه بر تحقیر و توهین به شدیدترین وجه مورد ستم و استثمار قرار می گیرند. کارگران افغانستانی همه این مشکلات را بخاطر بدست آوردن لقمه نان پذیرفته اند.

این وضعیت اسفناک، محصولی که از پوهنتون ها فارغ شده اند نیز در خود پیچانده است. اکثریت مطلق محصولی که از پوهنتون فارغ گردیده اند برای دریافت کار بعنوان کارگر به کشورهای همسایه آواره گردیده اند، زیرا امروز در افغانستان بدون رشوه حتی نمی توان معلم شد چه رسد به دیگر وظیفه ها. کسانی که پول و یا وسیله ای نداشتند تا کاری برای خود دست و پا کنند و نخواستند که به کشورهای خارج هم آواره گردند عموماً شغل ترکاری فروشی و یا میوه فروشی برگزیده اند. تاریخ افغانستان چنین رژیم فاسدی را سراغ ندارد.

توده های زحمتکش به خوبی درک نموده اند که با روی کار آمدن رژیم جان کوری وضعیت مردم از حالت اسفناک ریاست جمهوری شاه شجاع سوم یعنی حامد کرزی بدتر گردیده است. در حقیقت امر رئیس جمهور افغانستان سفیر امریکا است و دارد نقشه هایش را توسط دو میهن فروش (ع و غ) و دار دسته شان پیاده می کند.

امروز رژیم دست نشانده به حمایت اشغالگران امپریالیست وطن را غرق خون نموده و مردم زحمتکش افغانستان را در سوگ عزیزان شان نشانده و در غم و ماتم فرو برده است.

کسانی که از چنین رژیمی توقع دارد که به این وضعیت اسفناک خاتمه دهد در توهم فرو رفته اند. نباید از چنین رژیمی هیچ توقعی جز خیانت و میهن فروشی داشت.

یگانه راه از بین بردن فقر و بیکاری و پایان دادن به تمام مظلوم اجتماعی، برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر علیه اشغالگران و رژیم پوشالی است. فقط از این طریق است که می توان اشغالگران را از کشور بیرون راند و رژیم دست نشانده را از مسند قدرت به زیر کشید و جامعه دموکراتیک نوین را مستقر نمود و بطور سریع به سمت جامعه ای که در آن دیگر نشانی از ستم نباشد به پیش رفت.

به امید چنین روزی پیش بسوی برپایی و پیشبرد

مقاومت ملی مردمی و انقلابی



امروز صدای ضجه و ناله های غمگین توده ها از کمترین مسافت به گوش میرسد، ضجه و ناله از رنج و درد، ضجه و ناله از فقر و بیچارگی، ضجه و ناله از در به دری و آوارگی، ضجه و ناله از تجاوزات جنسی و قتل زنان، ضجه و ناله از بریدن گوش و بینی ضجه و ناله از قطع انگشتان دست و پا، ضجه و ناله از اختطاف های گسترده و ضجه و ناله از قتل زنان جوان. اما دولت دست نشانده همه این ها را نادیده گرفته و از کنار همه آنها به سادگی میگذرد. زیرا تمام کسانی که مرتکب چنین جنایتی می شوند به شکلی از اشکال ناف شان با ناف رژیم دست نشانده و اشغالگران امپریالیست گره خورده است، به همین علت نه تعقیب می شوند و نه هم دستگیر و مجازات.

سرزمینی که مردمش بعلت فقر و بدبختی در دریای طوفانی دست و پا می زنند که مسیرش نا پیدا است. مردمی که وضعیت شان از لحاظ اقتصادی زیر صفر قرار دارد و زندگی درهم و برهمی را سپری می کنند و از دست بیکاری، روزی هزاران نفر از کشور بطور قاچاقی خارج می شوند و روز به روز نفوس فعال کشور در حال متواری شدن به کشورهای خارجی و بخصوص کشورهای همسایه است که در آنجا اگر بتوانند کاری برای خود دست و پا نمایند، نمی توانند از چنین رژیمی امیدی داشته باشند. باید برای رهایی خود از این وضعیت، جدیت بخرج دهند.

میهن فروشانی که امروز بر اریکه قدرت تکیه زده اند جز به منافع خود و اربابان خویش به هیچ چیز دیگر نمی اندیشند و زندگی را بر مردم زحمتکش آنقدر سخت ساخته اند که حتی لقمه ای بخور و نمیرشان را نیز گرفته اند. جوانان کشور تمام سختی ها، مصائب و مشکلات بشمول مرگ را پذیرفتند تا برای زنده ماندن ناچاراً بعنوان کارگر به کشورهای خارجی آواره گردند. کارگران افغانستانی که به این طریق به کشورهای

اندوه گین مباش وطن!

”ترنم طنین“



ای میهن زیبای من

ماتم و اندوه تو را نزیبید.

گوش کن میهن!

صدایم را

ببین

چقدر با عشق میخوانم سرودت را

سرود جاویدانی و سرود قهرمانی را.

من طنینم!

طنین مهر آفرین

و میخوانم سرود از عشق و آزادی

بهر مردم بهر تو و بهر آبادی.



فصل بیکاری

گشنه می مانیم گویا، فصل بی کاریست باز
مردم ما غرق آه و ناله و زاریست باز

زیر بار هر ستم خاموش می مانیم لیک
خون سرخ از نوک تیز «قمه» ها جاریست باز

جمع کن سودای خود را بابه جان، بازار نیست
مردم ما غرق آه و ناله و زاریست باز

کوچه خون و شهر خون و آسمان آلوده خون
این جهان انگار از انسانیت عاریست باز

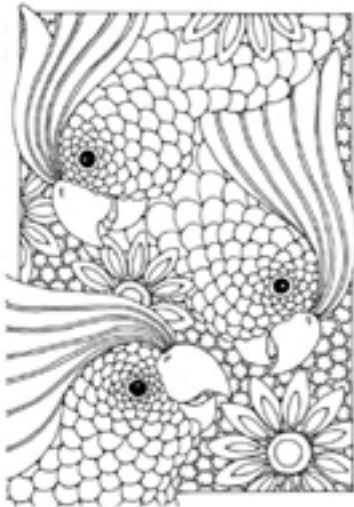
خواهرم هوشیار! داعش گل نموده هر طرف
در جهان تا حال حرف مرد سالاریست باز

یک صدا هم بر نمی خیزد خلاف ظلم و زور
قسمت دنیا فقط اینگونه بیماریست باز

آخر ای هم سرنوشتان! تا کی خوابیم، خواب
راه حل درد های ما به بیداریست باز



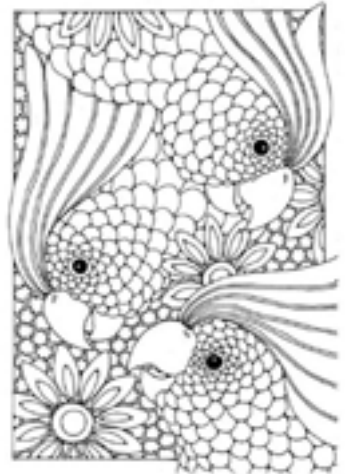
مرگ نازلی!



نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت
در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیرا!

دست از گمان بدار!
با مرگ نحس پنجه میفکن!
بودن به از نبودشدن، خاصه در بهار

نازلی سخن نگفت!
سرافراز
دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت...



نازلی! سخن بگو!

مرغ سکوت، جوجه‌ی مرگی فجیع را
در آشیان به بیضه نشسته‌ست!

نازلی سخن نگفت!

چو خورشید
از تیره‌گی برآمد و در خون نشست و رفت...

نازلی سخن نگفت!

نازلی ستاره بود!
یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت...



نازلی سخن نگفت!

نازلی بنفشه بود!
گل داد و مژده داد:
«زمستان شکست»!

و رفت...

«شاملو»



شاملو پس از **کودتای ۲۸ - اسد** وقتی در زندان بود با «وارطان سالخانیان» آشنا شد. در هنگام مرگ «وارطان» در اثر شکنجه، احمد شاملو هم‌بند «وارطان» بود، وی در آن زمان شعر «وارطان سخن نگفت» را سرود که بعدها برای گذر کردن از سد سانسور، کلمه «نازلی» جای «وارطان» به کار برده شد و به قول شاعر «شعر را به تمام وارطان‌ها تعمیم داد.»

علت بیکاری فعلی در افغانستان چیست؟



"آزاد" ۱۳۹۴/۱۱/۵

منبع: جنبش انقلابی جوانان افغانستان

خود هستند که متأسفانه عده کثیری نمی توانند حتی لقمه نان خشک را برای فامیل خود مهیا سازند، بیشتر جوانان ما که تحصیل کرده و فارغ التحصیل از صنف چهارده یا لیسانس میباشند بیکار هستند، دلیل بیکاری جوانان تحصیل کرده بر همگان واضح است و همه میدانند کسانی که وسیله و یا پولی برای رشوت دادن ندارند بیکار هستند اما کسانی که دارای پول و قدرت دولتی می باشند، به آسانی برای فرزندان و اقوام خویش کار را فراهم می سازند.

وقتی طفلی متولد میشود مادر و پدر با هزار امید او را بزرگ می کنند او را مکتب روان می کنند وقتی که از صنف دوازدهم فارغ گردید با هزار مشکل (از زمانیکه بازار آزاد ایجاد گردید و پوهنتون های خصوصی ایجاد شد ۸۰ درصد شاملین کانکور وارد پوهنتون شده نمی توانند) به پوهنتون راه می یابند (بعضی در پوهنتون های شخصی درس می خوانند) حینکه از پوهنتون فارغ گردید نمی تواند در درون دستگاه های دولتی، موسسات خصوصی یا شخصی یا ادارات ملکی برای شان کاری پیدا نمایند، دلیلش هم واضح است.

وقتی درون دستگاه های دولتی یا ملکی میشوی افرادی را می بینی که مدیر، معاون، رئیس و یا وزیر هستند که لیاقت چنین پستی را ندارند و بسیاری شان دارای تحصیلات ابتدایی و یا فارغ صنف دوازدهم می باشند. چون هم پول دارند و هم زور، در این کشور ملاک نه تحصیل است و نه هم دانش، بلکه زر است و زور. چنانچه اکثریت وکلای پارلمان و سنا بی سواد اند. بسیاری کسانی فارغ صنف دوازده اند اما سند تقلبی پوهنتون را به نسبت اینکه وسیله ای داشته برایش جور

از زمان روی کار آمدن رژیم دست نشانده حامد کرزی در سال ۱۳۸۰ سطح زندگی مردم بیچاره و بدبخت ما "وحدت ملی" (وحشت ملی) توسط جان کری وزیر خارجه امریکا به روی کار آمده است و دو مزدور معلوم الحال و میهن فروش (اشرف غنی و داکتر عبدالله) را به چوکی دست نشاندهی نشانند، ادامه دارد. جوانان کشور روز به روز دچار مشکلات بیشتر از پیش میشوند و فقر و بدبختی آنها را به سطوح آورده است و سطح بیکاری روز به روز افزایش پیدا میکند. این وضعیت غم انگیز باعث گردیده که جوانان برای دریافت کار خطرات را با جان و دل بخرند و عازم کشورهای خارجی و خصوصا کشورهای همسایه گردند. در کشوری که بیش از ۵۰ کشور خارجی حکم فرما هستند و کشور ما را اشغال نموده و تاراج کرده اند، انواع و اقسام ظلم، تجاوزات جنسی، قتل، ترور، اختطاف، بریدن گوش و بینی زنان و قطع انگشتان دست و پای شان و غیره در زیر چتر اشغالگران توسط عمال شان صورت می گیرد. این وضعیت اسفناک مردم بیچاره و زحمتکش افغانستان را در مخمصه ای بدی قرار داده است، انتظار بیشتری از چنین رژیمی نمیرود.

اقتصاد بازار به اصطلاح آزاد کشورهای امپریالیستی در حقیقت به سود یک طبقه آنها سرمایه داران و فئودالان میهن فروش می باشد. نه تنها وضع بد اقتصادی و فقر روز افزون، در به دری و خانه خرابی توده ها ناشی از اشغال کشور و ایجاد "بازار آزاد" بوده، بلکه نا امنی ها، دزدی، فحشا، تجاوزات جنسی، اختطاف ها و ... همه اینها مواردی هستند که از اشغال کشور و "بازار آزاد" ایجاد گردیده است.

جوانان ما همه روزه دنبال لقمه نان برای خود و فامیلهای

جوانان!

فرار از کشور و دست روی دست گذاشتن راه علاج این مصیبت ها نیست. یگانه راه بیرون رفت از این معضل ایستادگی در مقابل تمام مظالم اجتماعی است. یگانه راه این معضل پیشبرد مقاومت همه جانبه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدورشان است.

بناء باید برای بسیج توده های زحمتکش و در راس کارگران، دست به دست یکدیگر بدهیم و یکصدا و یکپارچه برای گرفتن حق خویش از اشغالگران و رژیم دست نشانده بپا خواسته و به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم مزدورش به پردازیم، و تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم پویشی تحت رهبری پیش آهنگ طبقه کارگر ادامه دهیم و تا آنجا پیش رویم که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

از شما جوانان می خواهیم که برای انجام این رسالت تاریخی به "جنبش انقلابی جوانان" به پیوندید تا به کمک یکدیگر بتوانیم توده های زحمتکش افغانستان را علیه اشغالگران و جنایتکاران زمان بسیج نموده و در راه سرنگونی شان به پیش رویم. "جنبش انقلابی جوانان" به کمک جوانان رنج کشیده کشور نیاز دارد. زیرا خوب میدانند که جوانان زحمتکش کشور اعم از تحصیل کرده و بی سواد در بیرون راندن اشغالگران و بر اندازی مزدورانش نقش اساسی دارند.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان

مواضع فوق مورد تایید
"هسته کارگری مبارز افغانستان" است.

نموده و رئیس شده است مانند خواهر زاده آقای اسپنتا وزیر خارجه اسبق. این عالی جناب به زور آقای اسپنتا به ریاست معارف ولایت هرات رسید و سند تقلبی هم برایش مهیا شد. جنایتی که این فیودال زاده در معارف نمود در تاریخ جهان کم نظیر است. در زمان ریاست وی شعبه ریاست معارف به فاحشه خانه تبدیل گردیده بود. هم چنین منیر احمد طاهری برادر اسپنتا در زمانیکه اسپنتا وزیر خارجه بود، عضو نظارت معارف ولسوالی کرخ گردید و با استفاده از قدرت برادرش یک معلمه جوان که بسیار زیبا و اولین بچه اش شش ماه داشت و شوهرش بی بضاعت بود، با فرزندش اختطاف نمود و مدت سه ماه در نواحی شهر هرات نگهداری و با وی بساط عیش نوش را فراهم نموده بود. زمانیکه طشت رسوائی اش به صدا در آمد و زن مظلوم را از خانه بیرون آوردند، زن با بچه اش به زندان فرستاده شد و برادر اسپنتا آزاد گردید. این است معنی حقیقی دموکراسی در زیر چتر اشغالگران.

وقتی یک جوان تحصیل کرده و با درد چنین وضعیتی را می بیند صد افسوس میخورد، نه بخاطر اینکه چرا رئیس نشده است بلکه به خاطر اینکه کشور اشغال گردیده و افراد بی بند و بار بر سرنوشت مردم زحمتکش مسلط شده اند و جامعه را به سمت تباهی و فساد سوق می دهند. بی علت نیست که افغانستان در ردیف دوم فاسد ترین کشورهای جهان قرار گرفته است. این فساد تنها مربوط به فساد اداری نیست، بلکه مربوط به فساد اخلاقی نیز می شود. کسانی که خود شانزده سال زحمت کشیده و رنج های بیشماری را درطول دوران زندگی خویش برده اند و توانستند که یک سند قانونی و مدرک تحصیلی برای خود فراهم سازند به امید اینکه بتوانند از طریق تحصیلی که کرده اند یک کار مفیدی برای خود فراهم سازند و لقمه نانی برای خود و فامیل خویش جمع و جور کنند، ولی صبح تا شام پشت کار می دوند. کاری برای شان پیدا نمی شود. به خانه نمی توانند بنشینند، یا باید با به خطر انداختن جانشان کشور را ترک نمایند و یا اینکه پیاز، کچالو و ترکاری بفروشند.

بیکاری صد هزار کارگر در ولایت ننگرهار!



صفوف کارگران به شدت در حال تراکم و فشرده‌گی است و در آینده گسترده تر و عمیق تر خواهد شد ولی نخواهد توانست به شکل کنونی، آرام و بی سر و صدا باقی بماند. اشغالگران و رژیم دست نشانده شان که خاستگاه این اعتراضات را بدست خودشان بوجود می آورند روز به روز بر کیفیت و کمیت آن خواهند افزود و تا به آخر نخواهند توانست طرح «دموکراسی» کذائی شان را به رخ مردم به نمایش بگذارند و به مردم اجازه دهند سطح اعتراضات شان اوج گیرد، اشغالگران و رژیم دست نشانده در فرجام به بهانه تامین امنیت دست به سرکوب سرتاسری میزنند همانطوری که در طول پانزده سال گذشته چنین کرده اند و از طرف دیگر مردم ستمدیده کشور نمیتوانند تا به آخر به گسترش و تعمیق مبارزات شان بصورت آرام و غیر قهری دل خوش کنند. انقیاد و تسلیم شدن در برابر چنین شرایط یک روی سکه و دست بردن به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده روی دیگر سکه بحساب میرود.

” هسته کارگری مبارز افغانستان “ برای تحقق عملی مقاومت ملی مردمی و انقلابی سعی و تلاش همه جانبه مینماید و مطمئن هست که بدون دست بردن به یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی راه دیگری وجود نخواهد داشت.

ولایت ننگرهار از جمله ولایات افغانستان است که بالاترین گراف بیکاری در آن بطور قابل ملاحظه ای بلند رفته است.

در کنفرانس ۱۵ دلو ۱۳۹۴ مسئولین بلند پایه رژیم دست نشانده در ولایت ننگرهار اذعان کرده اند که « به سبب ناامنی های این ولایت ، میزان بیکاری افزایش یافته است». رژیم دست نشانده آنقدر از ریشه متزلزل و فاسد است که در طی دوره حاکمیت (ع و غ) نتوانسته است زمینه اشتغال برای اکثریت کارگران و کسبه کاران این ولایت مساعد سازد و مسئله نا امنی بهانه ای برای توجیه کارهای شان قلمداد میگردد.

رژیمی که از ریشه فاسد و دست نشانده اشغالگران باشد، نه تنها توان ایجاد اشتغال برای اکثریت کارگران و کسبه کاران را نخواهد داشت بلکه توان بوجود آوردن حاکمیتی که خواست اکثریت باشد را نیز نداشته و نمیتواند داشته باشد، زیرا آنچه برای رژیم دست نشانده ارجحیت دارد منافع اشغالگران در کشور است که در صدر برنامه های کاری شان قرار میگیرد.

انجینیر عبدالحکیم شیرزاد، رئیس کار و امور اجتماعی شهدا و معلولین رژیم در این ولایت از طریق رسانه های خبری اذعان نمود که «از اثر وضع ناگوار بوجود آمده در ولایت ننگرهار، صدها هزار تن بیکارند و با گذشت هر روز، از ناحیه اقتصادی متضرر میشوند.»

وی افزود: « در سراسر جهان در بخش های زراعت، معادن و صنعت به مردم فرصت های کاری ایجاد میگردد، اما در ننگرهار جلوی تسهیلات کاری مردم گرفته شده است»

گرچه او ادعا دارد که درین ولایت، طی سال ۱۳۹۴ به تعداد ۲۴۰۰ جواز کار داده شده اما مثل روز روشن است که زمینه کار و اشتغال برای اکثریت جوازداران این ولایت مساعد نمیشد.

شرایط آنقدر برای کارگران و کسبه کاران این ولایت سخت و دشوار گردیده که همه روزه در چهارراهی مخابرات شهر جلال آباد، صدها کارگر بخاطر دریافت کار جمع میشوند، اما اکثریت شان شب هنگام با دستان خالی به خانه و کاشانه خود برمیگردند.

یک تن از کارگران که اشک از چشمانش جاری بود چنین یادآوری نمود:

” در خانه ما فقط من درآمد آور و نان آور خانواده هستم، گاهی کار هست و گاهی نیست، غربی دامن همه ما را گرفته است. در خانه ام دو طفل مریض به بستر افتاده که توان تدوای شان را ندارم و هر روز منتظر مرگ یکی از عزیزان نشسته ام. دولت هم به قصه کار کسی نیست فقط مسئولین به فکر چور و چپاول سرمایه های ملی هستند و خود را سیر میکنند و در غم هیچکس خصوصا کارگران نیستند.»

سطح بیکاری به وضاحت کامل نشان میدهد که سیل روز افزون

اصطلاحات سیاسی برای طبقه کارگر

پرولتاریا (Proletariat)

به طبقه کارگر مزد بگیر یعنی کسانی که فاقد وسائل تولید هستند و مجبورند نیروی کار خود را به صاحب وسائل تولید یعنی سرمایه داران به فروشند پرولتاریای صنعتی یا مطلق پرولتاریا می گویند. در برخی اصطلاحات پرولتاریا به معنای اعم طبقه کارگر استعمال می شود. اصولاً این اصطلاح در جامعه کهن رومی به فقرا و رنجبران اطلاق میشده است. پرولتاریا که همراه با سایر اقشار زحمتکشان مولد همه نعم مادیست در جریان تولید علاوه بر ارزش نیروی کار خود ارزش اضافی نیز تولید می کند که از طرف کارفرما به شکل سود تصاحب می شود.

کارگران و یا پرولتاریا در مبارزه برای رهایی خود می تواند و باید تمام توده های زحمتکش و در درجه اول دهقانان را به سوی خویش جلب کند و نبرد علیه وضعیت حاکم اجتماعی را رهبری کند و به همین جهت هم طبقه کارگر می تواند رسالت تاریخی نابود کردن بورژوازی و ایجاد جامعه نوین را به انجام برساند. از نظر تاریخی خانه خرابی و ورشکستگی دهقانان که زمین های خود را از دست می دادند نخستین منبع ایجاد پرولتاریا یا کارگران بود. بعدها نیز ورشکست شدن خرده بورژوازی در شهر و ده با تکامل سرمایه داری به تقویت صفوف پرولتاریا منجر می شود. پرولتاریا یکی از دو طبقه اساسی ساختار اجتماعی - اقتصادی سرمایه داریست و طبقه دیگر اساسی این صورت بندی، بورژوازی (سرمایه داری) است. استثمار پرولتاریا از جانب سرمایه داران موجب تضاد آشتی ناپذیر منافع طبقاتی آن ها و مبارزه طبقاتی آن ها است. در جریان این مبارزه رفته رفته پرولتاریا به منافع اساسی طبقاتی خود آگاهی می یابند، درک اجتماعی شان غنی تر می شود و به تدریج از اشکال مبارزه و درجات عالی تر تشکل استفاده می کنند و بالاخره این مبارزه علیه سراسر سیستم سرمایه داری و به خاطر استقرار جامعه دموکراتیک نوین متوجه می گردد. پرولتاریا سازمان های طبقاتی صنفی و سیاسی خود را ایجاد می کنند و مرتباً تکامل می یابند.

ارتجاع (Reaction)

در مفهوم سیاسی این واژه به معنای مخالفت با پیشرفت اجتماعی به معنای مبارزه طبقات و اقشار در حال نابودی و زوال علیه جامعه است. سیر جبری تاریخ و مبارزه توده ها، جوامع بشری را به سوی رشد و ترقی می برد و اقشار و طبقاتی را که صاحب امتیازات مربوطه هستند و با سیر آنی جامعه مخالفند و مایلند وضع موجود را حفظ کنند به نابودی حتمی محکوم می کند.

بدین اساس هم هست که مطابق سطح رشد نیروهای تولیدی دوره برده داری به پایان رسید و سپس جایش را به دوره فئودال یا ملاکان ارضی داد. سپس از طریق همین مبارزات بود که فئودالی نیز در اکثریت کشورهای جهان به شکست مواجه شد و جایش را به سرمایه داری واگذار کرد. در هر دوره تضاد میان دو طبقه متخاصم اجتماعی تکاملات خود را به همراه داشته است. در دوره برده داری تضاد میان برده و برده داران، در دوره فئودالی تضاد میان دهقانان و ملاکین ارضی و در دوره سرمایه داری تضاد میان کارگر و سرمایه دار، سیر تکاملی خود را سپری نموده و در ساختارهای اجتماعی جایش با سیستم کهنه سابق بدل کرده است. اما در طول این مدت این طبقات اجتماعی برای حفظ منافع استثمار گرانه خود، برای حفظ امتیازات و موجودیت خود، با ترقی جامعه در تضاد واقع شده و با پیشرفت اجتماعی مخالفت ورزیدند.

مظهر آن مناسبات تولیدی فرسوده ای می شوند که به سدی در راه تکامل جامعه بدل شده است. بنابر این ارتجاع یعنی دفاع از نظام فرسوده و محکوم به نابودی، یعنی مخالفت با ترقی و پیشرفت.

ارتجاع گاه به شکل جبر و اختناق خونین و ترور جمعی توده مردم جلوه گر می شود. گاه در سیمای افکار و عقاید پوسیده و کهنه با تکیه بر عادات و عقب ماندگی های فرهنگی علیه اندیشه های ترقی خواهانه مبارزه می کند.

ارتجاع به شکل تشدید ستم بر توده های زحمتکش از نظر اقتصادی و سیاسی و بر ملت هایی که از حقوق خود محروم شده اند و یا به شکل سرکوب نهضت انقلابی که جامعه را به جلو میراند تظاهر می کند. در عصر امپریالیزم در کشورهای جلو افتاده از نظر صنعتی، فاشیزم و میلیتاریزم جلوه های ارتجاع هستند. مرتجع به کسی می گویند که روش خصمانه ای با هر چه مترقی، نو، بالنده و پیشرو است داشته باشد و برای حفظ یا احیاء مجدد نظام فرسوده و پوسیده یا افکار کهنه و عقب مانده کوشش نماید.

استثمار (Exploitation)

واژه استثمار از ریشه «ثمر» و معادل فارسی آن «بهره کشی» است و در مباحث اقتصادی و اجتماعی به معنای استفاده و بهره بردن از کار کسی دیگر است. معنای علمی استثمار چنین است: "به دست آوردن مجانی محصول کار یک فرد از جانب فردی که صاحب خصوصی وسائل تولید است." در اصطلاح اقتصادی یعنی گرفتن محصول کار اضافی و بعضی اوقات حتی قسمتی از کار لازم. معمولاً به هنگام به کار بردن این اصطلاح می گویند استثمار فرد از فرد. استثمار یا بهره کشی ویژه همه جوامعی است که در آن طبقات متخاصم وجود دارد. افراد یک طبقه، طبقه حاکم که صاحب وسائل تولید هستند افراد طبقات دیگر را مورد بهره کشی قرار داده و از ثمره رنج آن ها گنج بر می دارند. پس علت استثمار عبارتست از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید ولی اشکال استثمار وابسته است به خصلت آن مناسبات تولیدی که در جامعه حاکم است.

بهره کشی از فرد دیگر ملازم با وجود بشر نیست و از آغاز پیدایش جامعه بشری موجود نبوده و جاودانی نیز نخواهد بود. استثمار در نخستین دوران صورت بندی اجتماعی - اقتصادی (یعنی کمون اولیه) وجود نداشت و تنها در مرحله فروپاشی این دوران پدید گشت. پیدایش استثمار معلول عوامل زیر بود:

۱) تکامل نیروهای تولیدی که منجر به تقسیم اجتماعی کار و پیدایش اضافه محصول و به دنبال آن ها مالکیت خصوصی و تفاوت درآمدها شد. بر این شالوده تجزیه جامعه به طبقات متناقض پدید گشت و به جای جامعه بی طبقه اولیه طبقات اجتماعی بهره کشان و بهره دهان پدید آمدند. نخستین دورانی در جامعه بشری که بر شالوده استثمار استوار بود جامعه برده داری است که پایه آن را مالکیت کامل برده دار بر وسائل تولید و برخورد تولید کننده یعنی برده تشکیل می داد.

۲) در دوران فئودالیزم پایه استثمار عبارت بود از مالکیت خصوصی ارباب بر زمین و مالکیت نیمه تمام بر مصرف یا رعیت که البته این امر به نسبت کم یا بیش با خصوصیات بسیار متفاوت در کشورهای مختلف ظهور کرد و طیف بسیار متنوعی از انواع بهره کشی فئودالی را در ممالک گوناگون با ویژگی های خاص به وجود آورد.

۳) آخرین دوران متکی به استثمار فرد از فرد دوران سرمایه داریست که در آن مالکیت خصوصی سرمایه داران وسیله بهره کشی از کارگران و زحمتکشانی است که خود به اصطلاح آزادند و تحت مالکیتی نیستند ولی نیروی کارشان وسیله استثمار صاحبان سرمایه است. اینها کارخانه ها، کارگاه ها، معادن و زمین ها و وسائل تولید کشاورزی و بانک ها و وسائل توزیع و حمل و نقل و غیره و غیره را در مالکیت خود دارند و از ثمره کار کارگران و سایر زحمتکشانی یدی و فکری که فاقد وسیله تولیدند برخوردار می شوند.

استثمار موجب می شود که به قیمت فقر و بدبختی توده ای کثیر که کار می کنند و تولید می کنند مشتی افراد صاحب وسائل تولید، ثروت اندوزی شوند. استثمار مغایر با آزادی و شخصیت بشری است. استثمار مغایر با عدالت اجتماعی است. استثمار منافی با دموکراسی و با حقوق بشری است. تمام این مفاهیم در جوامعی که استثمار حاکم است نمی تواند کمترین معنایی داشته باشد. تمام هیاهوی مبلغین رژیم های عوام فریب در این موارد به کلی پوچ و میان تهی است، زیرا شالوده ظلم اجتماعی و حق کشی، نابرابری و ستمگری، استثمار است و استثمار خود همزاد جدایی ناپذیر سرمایه داری، سود کلانی که سرمایه دار در نتیجه کار کارگر به دست می آورد، بهره مالکانه یا اجاره

زمین که مالک و زمیندار از دهقان زحمتکش می گیرد استثمار است و برای الغای آن باید همه وسائل تولیدی از مالکیت خصوصی خارج شود تا نتیجه کار و زحمت زحمتکشان به جیب کسی دیگر نرود.

ایدئولوژی (Ideologie)

ایدئولوژی عبارتست از سیستم نظریات و اندیشه های سیاسی، حقوقی، هنری، مذهبی، فلسفی و نظریات در زمینه اخلاق. ایدئولوژی بخشی است از روبنا و دارای خصلت طبقاتی است و بنابر این در آخرین تحلیل منعکس کننده مناسبات اقتصادی - زیربنای جامعه است. در جامعه ای که به طبقات متخاصم تقسیم شده یکی از اشکال مبارزه طبقاتی پیکار ایدئولوژیک است. منافع طبقات ارتجاعی و در حال نابودی حکم می کند که واقعیت نفی شود و حقیقت زیر پا گذاشته شود و به همین جهت ایدئولوژی این طبقات غیر حقیقی است، منعکس کننده واقعی حقایق نیست، علمی نیست. برعکس منافع طبقات مترقی و انقلابی به ایجاد ایدئولوژی منعکس کننده واقعیت و علمی کمک می کند.

تکامل ایدئولوژی اگر چه وابسته به مناسبات اقتصادیست، ولی در عین حال دارای استقلال نسبی نیز هست. نمونه این استقلال نسبی را در این امر به ویژه می بینم که محتوی ایدئولوژی را نمی توان بی واسطه و مستقیماً با علل اقتصادی توضیح داد. به علاوه رشد عامل اقتصادی و ایدئولوژی هم زمان و موازی نیست. استقلال نسبی ایدئولوژی به این جهت نیز هست که بر تکامل ایدئولوژی، بر تحولات سیستم نظریات و اندیشه ها، یک دسته از عوامل که دارای ماهیت غیر اقتصادی هستند نیز تاثیر می گذارند. به این خاطر است که اشکال مختلف ایدئولوژی یکی بر دیگری تاثیر میگذارد و نقش مشخص این یا آن ایدئولوژی تبارز می یابد.

بورژوازی (Bourgeoisie)

در صورت بندی های اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری دو طبقه اساسی وجود دارد. پرولتاریا و بورژوازی. بورژوازی عبارتست از طبقه سرمایه داران یعنی کسانی که دارای وسائل اساسی تولید مثل کارخانه ها و فابریکه ها و بانک ها و وسائل حمل و نقل و توزیع و غیره هستند و از استثمار کار دیگران زندگی می کنند. از نظر لغوی این واژه از کلمه «بورگ» به معنای شهر مشتق است و شهر نشین مرفه را بورژوا می گفتند. از نظر تاریخی بورژوازی در بطن جامعه فئودالی در جریان تلاشی تولید خرده کالایی به وجود آمده و رشد کرده، در مراحل تراکم اولیه سرمایه و سلب مالکیت تولید کنندگان کوچک و تبدیل آنان به کارگران مزدبگیر بعدها به عنوان طبقه ظاهر شده و سپس در طی چندین قرن مبارزه توانسته است حاکمیت سیاسی و اقتصادی خود را مستقر کند. انقلاب بورژوازی آن انقلابی است که سلطه فئودالیزم را درهم می شکند، بورژوازی رهبر آنست و در نتیجه آن قدرت خود را در جامعه مستقر می کند. این گونه انقلابات در قرن هفدهم تا نوزدهم میلادی روی داد. در آن دوران بورژوازی طبقه ای مترقی بود. زیرا که خواستار پیشرفت جامعه، از بین بردن فئودالیزم بود و منافع رشد نیروهای مولده را اقتضا می کرد ولی با تکامل جامعه سرمایه داری، بورژوازی به طبقه ای ارتجاعی مبدل می شود.

در مرحله امپریالیزم یعنی آخرین مرحله سرمایه داری خصلت ارتجاعی و انگلی بورژوازی بیش از هر وقت دیگر ظاهر می شود. منافع بورژوازی کاملاً مغایر با منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا تضاد نیستی ناپذیر. این تضاد ریشه مبارزه طبقاتی است که بالاخره منجر به انقلابات، انحلال بورژوازی و استقرار مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید می گردد.

بورژوازی یا طبقه سرمایه دار بر حسب این که سرمایه خود را در کدام رشته به کار انداخته باشد به بورژوازی صنعتی (کارفرمایان)، بورژوازی بازرگانی (تجار بزرگ)، بورژوازی بانکی (بانکداران) و بورژوازی روستایی (کولاکها) تقسیم می شود. منبع درآمد همه آن ها ارزش اضافی است که از کار زحمتکشان حاصل می شود. علاوه بر سود

کارفرمایان موسسات صنعتی که شکل مستقیم تصاحب ارزش اضافی است نفع بازرگانی و ربح بانک ها و بهره وری مالکانه زمین داران همه اشکال مختلف و اجزاء ارزش اضافی هستند یعنی از استثمار زحمتکشان حاصل می گردد.

یک طبقه بندی دیگر بورژوازی از نظر قدرت مالی و نفوذ اقتصادی و سیاسی آنست. از این نظر در جوامع سرمایه داری بورژوازی بزرگ، بورژوازی متوسط و بورژوازی کوچک را تشخیص می دهیم. از نظر کمیت بورژوازی متوسط و کوچک اکثریت را دارا هستند ولی اهرم های اقتصادی و اجتماعی در دست بورژوازی بزرگ است که اگر چه عده اش کمتر است ولی اکثر منابع تولید مالی و قدرت سیاسی را در دست دارد. بورژوازی متوسط و کوچک همواره در خطر ورشکست هستند و اغلب در تضاد منافع با بورژوازی بزرگ قرار می گیرند.

خرده بورژوازی اصطلاحاً به آن تولید کنندگان کوچک کالا می گویند که از طرفی صاحب وسائل تولید هستند ولی از طرف دیگر اغلب خودشان کار تولیدی انجام می دهند و معمولاً از کار دیگری بهره کشی نمی کنند. بسیاری از پیشه وران، صاحبان حرفه و فن و دهقانان صاحب زمین از این دسته اند. تجار کوچک و کسبه و برخی اقشار متوسط دیگر جامعه نیز در این دسته وارد می شوند. خرده بورژوازی قشر واسطه ای بین بورژوازی و پرولتاریاست که عده کمی از آنها در جریان تکامل سرمایه داری مبدل به سرمایه داران می شوند و قسمت اعظم آن به تدریج به کارگر و یا در روستاها با از دست دادن زمین به کارگر کشاورزی مبدل می شوند. این وضع مبین خصلت دوگانه این قشر است زیرا که خرده بورژوازی چون از تکامل سرمایه داران و رقابت آنان متضرر می شود دچار ورشکست و خانه خرابی می گردد. از آنجا که خود زحمت می کشد لذا به سوی پرولتاریا تمایل دارد و متحد وی در مبارزه علیه بورژوازی است و از جانب دیگر چون خود دارای وسائل تولید است به سوی بورژوازی تمایل دارد. این وضع موجب می شود که در مبارزه طبقات وضع پی گیر نداشته و قادر به اجرای یک سیاست مستقل طبقاتی نباشد. طبقه کارگر می تواند و باید این متحد بالقوه را به سوی خود جلب کند. اتحاد کارگر و دهقان و تامین رهبری پرولتاریا، اتحادی که همه طبقات و اقشار زحمتکش شهر و ده را در بر گیرد، وثیقه پیروزی بر سرمایه داری و ظفرمندی انقلاب دموکراتیک تراز نوین است.

یک طبقه بندی دیگر بورژوازی مربوط است به نقش اقشار مختلف این طبقه در جوامع مستعمره و وابسته. از این نظر بین بورژوازی ملی و بورژوازی کمپرادور یا وابسته تفاوت قائل می شویم. در شرایط تسلط امپریالیست ها بر این گونه جوامع و وجود مسائل عدیده ملی و وابستگی های انحصاری، بورژوازی ملی که بر تولید داخلی متکی است منافعش با انحصارات بیگانه اغلب در تضاد است و به همین جهت حاضر است تا مرحله معینی در نهضت آزادیبخش ملی شرکت جوید و نقش مثبتی ایفا نماید. عناصر میهن پرست این قشر در کشورهای مختلف در جبهه های واحد ملی علیه سلطه امپریالیزم و به خاطر کوتاه کردن دست انحصارات بیگانه از منابع ملی، به خاطر کسب استقلال سیاسی و اقتصادی مبارزه می کنند.

بورژوازی کمپرادور یعنی قشر عالی و ثروتمند در این گونه جوامع که دارای روابط محکم با انحصارات بیگانه است و سرمایه هایشان با سرمایه های امپریالیستی در هم آمیخته و منافعشان حفظ و تحکیم سیادت سرمایه های بیگانه را ایجاب می کند.

واژه کمپرادور از زبان اسپانیایی گرفته شده و به معنای خریدار است. اغلب بازرگانان بزرگ وارد کننده و صاحبان کارگاه های مونتاژ که شعبه صنایع امپریالیستی هستند، بانکداران با سرمایه مشترک و مختلط و نظیر اینها در این دسته جای دارند. بورژوازی کمپرادور واسطه غارت و استثمار اقتصادی و سلطه سیاسی امپریالیست ها بود و خود از آن نفع برده و حامل ارتجاعی ترین و ضد ملی ترین سیاست هاست. تشدید و نفوذ نو استعماری و گسترده تر شدن سرمایه گذاری ها و چپاول انحصارات امریکایی به ویژه موجب تقویت قشر بورژوازی کمپرادور شده است. این قشر کشور مربوطه را به بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه گذاری های انحصارات امپریالیستی و منبع کسب مواد خام ارزان بدل می کند به همین مناسبت هم هست که بورژوازی کمپرادور آماج انقلاب دموکراتیک نوین در کشورهای تحت سلطه قرار میگیرد و سرمایه هایشان قابل مصادره و ضبط انقلابیون میباشد.

چند نوع از فعالیت ها و پیکارهای توده ای:

اعتصاب:

یعنی دست کشیدن از کار توسط زحمتکشان که می تواند کلی یا جزئی با مدت معین یا نامحدود باشد. اعتصاب یکی از وسائل مبارزه طبقه کارگر علیه کارفرمایان و رژیم های بورژوازی در کشورهای سرمایه داری و رژیم های دست نشانده در کشورهای تحت سلطه می باشد و به خاطر رسیدن به هدف های اقتصادی، صنفی و سیاسی صورت می گیرد. اشکال مختلف اعتصاب عبارتست از نرفتن سرکار و ماندن در منزل، اجتماع در جلو کارخانه و کارگاه، قطع کار و اشغال و راه ندادن کسی به آن، ماندن کار در سرکار و پشت ماشین کارخانه بودن ولی کار نکردن، کار آرام به نحوی که کلیه جریان تولید را به تعویق بیندازد، اجرای کلیه جزئیات وظایف و دقایق امور که خود باعث تاخیر بسیار کار در برخی از رشته ها و مختل شدن جریان امور می شود (گمرک ، ادارات، کارخانه جات صنعتی و شیرینی پزی ها و غیره).

اعتصاب عمومی شکل عالی مبارزه اعتصابی طبقه کارگر و برای ارضاء خواست های سیاسی و اقتصادیست. در این شکل با توسل به همه انواع اعتصاب، توده های عظیم زحمتکشان به کلی چرخ اقتصاد کشور را فلج می کنند و قدرت اتحاد و مبارزه خود را نشان می دهند. در اعتصاب عمومی همه کارگران متشکلاً در کلیه کارخانه های یک رشته اقتصادی یا در همه موسسات ولایات کشور یا در همه موسسات یک ولایت به خاطر هدف های مشخص و شعارهای معینی دست از کار می کشند. اعتصاب عمومی یک وسیله عالی سازماندهی و تجهیز زحمتکشان در مبارزه علیه ستم و نابرابری سرمایه داریست. اعتصاب عمومی سیاسی برای تکامل جنبش کارگری اهمیت ویژه ای دارد. موقعیت مناسب، شعارهای روشن و مهیج و اجرای نظم و تشکل آن اهمیت قاطعی دارد و به همین منظور طبقه کارگر در راس این اعتصابات قرار میگیرد.

تظاهرات:

یک شکل از اشکال توده ای و وسیع مبارزه زحمتکشان است. به وسیله تجمع و راه افتادن در سرک ها و میدان ها و بیان خواست ها توسط شعارهای کتبی و شفاهی، زحمتکشان یا علیه یک اقدام و تصمیم و سیاست هیئت حاکمه اعتراض می کنند و مخالفت خود را بیان می دارند و یا یکی از مطالبات اقتصادی و سیاسی خویش را بیان می دارند و عقیده و نظر خود را منعکس می کنند. شکل موثر آن استفاده از حربه تظاهرات سیاسی است که طبقه کارگر در نهایت امر بدان متوسل میگردد.

میتینگ:

یک لغت انگلیسی است به معنای ملاقات برای مذاکره پیرامون یک مسئله. میتینگ یا به معنای جلسه ایست کم و بیش وسیع برای بحث و اظهار نظر در یک مسئله یا یک حادثه سیاسی و یا به معنای اجتماع انبوه مردم در یک نقطه و شنیدن گفته های سخنرانان که پیرامون حادثه و مسئله ای صحبت می کنند و بدین وسیله نظر و عقیده شان را نشان میدهند.

شعار:

عبارتست از پیام یا عبارات کوتاه که با روشنی و اختصار هدف، مسئله مهمی را که یک جریان سیاسی و یا هسته های کارگری در سطح عموم و در مرحله یا یک لحظه معین تاریخی بیان نمایند. شعار می تواند اقتصادی یا سیاسی، استراتژیکی یا تاکتیکی باشد. شعارهایی که برای لحظه معین و مقصد مشخص فوری معینی به کار می رود شعار عمل نام دارد.



فابریکه صنعتی کبک و کلچه بزی سوپر ذائقه شهد کام

تولید کننده کلچه و کبک های پاکتی و کیلویی از فصل کبک گشنیزی - کبک دورنگ - کبک سبزه
با طعم های متنوع و کیفیت عالی با دستگاه های پیشرفته مدرن و نو تکنیک

نوع جنس: کبک دورنگ
مقدار: کیلو گرام

شماره های تماس: ۷۸۱۹۳۸۷۹۳ - ۷۹۵۵۰۸۰۳۰

"هسته کارگری مبارز افغانستان" صدای برحق کارگران ستمدیده افغانستانی است

آدرس ما: www.kargaranafghanistan.blogfa.com

ایمیل آدرس ما: hastakargari@yahoo.com